

نقشه عجیب پدر برای جلوگیری از مهاجرت پسرش



گروه حوادث - وقتی پسر جوان یک روز قبل از پرواز به آلمان از سوی ۲ مرد ناشناس ربوده شد، هیچکس باورش نمی شد که پشت پرده این گروه گانگبری پدر خانواده است. یکی از روزهای آبان امسال بود که صدای ناله های پسر جوان که از داخل ساختمانی متروکه در یکی از محله های جنوب پایتخت به گوش می رسید، توجه رهگذران را جلب کرد. آنها به دنبال صدای قدم در خانه متروکه گذاشتند و با پسری جوان رویه رو شدند که دست و پایش با طنابی بسته شده و به شدت مجروح شده بود. شاهدان دست و پای پسر را باز کردند و با اورژانس تماس گرفتند. طولی نکشید که با حضور نیروهای اورژانس، پسر زخمی به بیمارستان منتقل و ماجرای این حادثه مر موز به پلیس پایتخت اعلام شد و تیمی از ماموران راهی بیمارستان شدند.

آدم ربایی خشن

پسر جوان وقتی ماموران را در برابر خود دید گفت که در دام گروه گانگبران خشن گرفتار شده و ۱۴ روز توسط آنها زندانی بوده است. وی ادامه داد: روز حادثه برای انجام کاری از خانه خارج شدم و در حال عبور از خیابان بودم که ناگهان خودروی پژویی با دو سر نشین راهم را سد کرد. یکی از سر نشینان ماشین اسم مرا صدا زد و به گمان اینکه آشنا است، ایستادم. در همین هنگام سر نشین دیگر خودرو از ماشینم پیاده شد و چاقویی روی پهلویم قرار داد و وی تهدید کرد که اگر حرفی بزنم جانم را می گیرد و جسمم را به آتش می کشد. آن موقع دیدن صورت مرد جوان که پر از آثار زخم و چاقو بود،

وحشت کردم. کاملاً مشخص بود که او شرور است و اگر مقاومت می کردم تهدیدش را عملی می کرد. مرد شرور با تهدید مرا به داخل ماشین انتقال داد و دست و پای چشمانم را بست. سپس راننده حرکت کرد و من که وحشت کرده بودم به آنها گفتم که هر چه پول می خواهید می دهم فقط رهایم کنید؛ اما آنها بی خیال نشدند.

پسر جوان ادامه داد: من به تازگی کارهای اقامت و مهاجرت به آلمان را انجام داده و برای تحصیل ام را گرفته بودم. حتی بلیت تهیه کرده و فردای آن روز به مقصد کشور آلمان پرواز داشتم و آن روز داشتم کارهای قبل از سفر و مهاجرت را انجام می دادم اما گروه گانگبران خشن به حرف هایم توجهی نکردند و با دستمالی که آغشته به مواد بی هوشی بود، مرا بیهوش کردند و به محلی ناشناس منتقل کردند.

خاخی

پسر جوان گفت: نمی دانم چند ساعت بی هوش بودم اما چشمانم را که باز کردم در یک خانه باغ بودم؛ با دست و پای بسته. آدم ربایان مدام شکنجه ام می دادند و تهدید می کردند که اگر خانواده مبلغی که می خواهند را به آنها ندهند، جانم را می گیرند. حتی یکی از آنها می گفت مرا به قاچاقچیان اعضای بدن انسان می فرودش تا آنها اعضایی بدنم را برای فروش بردارند و به زندگیم پایان بدهند. آنها مرا کتک می زدند و مدعی بودند که با خانواده تماس گرفته و چند میلیارد تومان در قبال آزادی من خواسته اند.

او ادامه داد: سرانجام بعد از گذشت دو هفته از گروه گانگبری و شکنجه های متعدد، آنها به من گفتند که خانواده ات همه پولی را که می خواهی بپرداخت کرده اند و بعد مرا بیهوش کردند که وقتی

چشمانم را باز کردم نیمه جان در یک ساختمان متروکه بودم با دست و پای بسته و مردم به دادم رسیدند.

یک روز قبل از سفر

با این شکایت پرونده ای با موضوع گروه گانگبری تشکیل شد و گروهی از ماموران تحقیقات خود را زیر نظر قاضی موسی رضازاده، بازپرس دادسرایجنایی تهران آغاز کردند. تیم تحقیق در ابتدا به محلی که پسر جوان ربوده شده رفت و با بررسی دوربین های مدار بسته، شماره پلاک خودروی آدم ربایان را دست آورد. در ادامه و با توجه به مشخصات ظاهری یکی از گروه گانگبران و انجام اقدامات اطلاعاتی، هویت هر دو متهم به دست آمد و آنها در عملیات غافلگیرانه دستگیر شدند.

متهمان به اداره آگاهی انتقال یافتند و در تحقیق از آنها مشخص شد که پشت پرده این آدم ربایی پدر گروه گان بوده است. او یک روز قبل از سفر پسرش به آلمان دو آدم ربای اجیر کرده بود تا پسرش را گروه گان بگیرند. یکی از متهمان دستگیر شده گفت: مدتی قبل مردی به نام احمد به سراغ ما آمد. او وعده دستمزد ۲۰ میلیون تومانی به ما داد و خواست تا پسرش را گروه گان بگیریم. من و دوستم چون اعتقاد شدیدی به مواد مخدر داریم و نیاز شدیدی به پول، بر سر دوراهی قرار گرفتیم که پیشنهاد مرد میانسال را قبول کنیم یا نه. چون قبلاً با این اتهام زندان رفته بودیم، نپذیرفتیم. اما مرد میانسال گفت چون شاکتی خودش است رضایت می دهد و اجازه نمی دهد ما به زندان بفرستیم و این به ترتیب ما و این بازی شدیم.

به خاطر مهاجرت

فرار تازه داماد از سفره عقد برای ازدواج با دختر مورد علاقه اش

محاكمة خانواده عروس به اتهام قتل تازه داماد



گروه حوادث - مرد جوان که شوهر خواهرش را با ۴۷ ضربه چاقو کشته و گریخته در حالی غیبی در دادگاه کیفری تهران محاکمه می شود که قرار است پدر، مادر و خواهرش به اتهام تحریک وی برای قتل از خود دفاع کنند. آنها حتی چند بار از پسرهم خواسته بودند تا نام کاوه به دست برادر زنش در دستور کار پلیس قرار گرفت. عابراتی که از حاشیه یکی از پارک های جنوب تهران عبور می کردند با جسد وی رویه رو شده و پلیس را با خبر کردند.

جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و ماموران برای رازگشایی جنایت به تکاپو افتادند.

وقتی کارشناسان پزشکی قانونی جای ۴۷ بریدگی عمیق چاقو روی جسد را تایید کردند، فرضیه جنایت کینه جوانه قوت گرفت. در این میان ماموران سه بازیینی فیلم های دوربین مدار بسته در نزدیکی پارک پرداختند و دریافتند کاوه در درگیری با برادر زن ۳۴ ساله اش به نام احسان کشته شده است. ردیابی احسان در دستور کار پلیس قرار گرفت اما بررسی ها نشان داد وی به مکان نامعلومی گریخته است.

در همین روزها بود که مادر پیشنهاد داد با دختر عمه ام «مینا» ازدواج کنم. با آن که خانواده عمه ام از نظر مالی بسیار ضعیف بودند ولی از شنیدن پاسخ منفی دختر عمه ام خیلی ناراحت و متعجب شدم. با وجود این، مادرم آن قدر اصرار کرد و پدرم وعده های مالی داد که بالاخره قرار و مدار از دواج را گذاشتیم ولی همه فکر و احساسم پیش «آفرین» بود. روز جشن عقد کنار، همه مهمان ها در تالار عروسی منتظر بودند که من شوک زده تصمیم دیگری گرفتم. ناگهان با خودروی گل آرای شده و باکت و شلوار دامادی به سوی منزل «آفرین» رفتم.

خودروی صفر خارجی را که پدرم به عنوان هدیه از دواج داده بود مقابل منزل آن ها پارک کردم و از آفرین خواستم با من به تالار بیاید تا او را به عنوان اعروس «به فامیل و آشنایان معرفی کنم ولی او مخالفت کرد. به همین دلیل پیشنهاد فرار را مطرح کردم اما باز هم قبول نکرد و من با چشمانی اشک آلود به جشن عقد کنار برگشتم و این گونه با «مینا» نامزد شدم. حالا دیگر هر روز بهانه می گرفتم و با مشاوره های گوناگون کار مان به قهر و آشتی می کشید. خیلی زود صاحب پسری شدیم اما رفتارهای تلخی با «مینا» داشتم. او همه تلاشش را می کرد تا رضایت مرا جلب کند. به مردی خودخواه و مستبد تبدیل شده بودم و با همسرم مانند یک خلمتکار رفتار می کردم.

«مینا» مانند پروانه دورم می چرخید و ابراز محبت می کرد اما من با مصرف گل و تریاک سرگرم بودم و او را تحقیر می کردم تا این که بر اثر یک اشتباه مالی شکست سختی را متحمل شدم و به خانه

گروه حوادث - وقتی به خود آمدم که قرار بود با دختر عمه ام ازدواج کنم. همه مهمانان در تالار منتظر بودند که ناگهان تصمیم دیگری گرفتم و با همیان خودروی گل آرای شده و لباس دامادی به سوی منزل دختری رفتم که با او ارتباط عاشقانه داشتم اما این هایش از اظهارات جوانی است که زندگی اش را به ماجرا های تلخی که زد و خاکستر نشین عشقی خیابانی شد. این جوان که اکنون در گرداب وحشتناک اعتیاد و سردی روابط عاطفی دست و پای می زند، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری نجفی گفت: پدرم از ملائین و خان های قدیمی بود که روحیه ای مستبد داشت و هنگام تنبیه دسته جمعی به التماس های هیچ کدام از اعضای خانواده توجهی نمی کرد. در این شرایط من هم دوره نوجوانی را به خوش گذرانی و به مصرف مشروبات الکلی و بنگ و گل پرداختم و بیشتر اوقاتم را با سرکار گذاشتن دختران می گذراندم و آن ها با وعده و وعید از دواج سوء استفاده می کردم تا این که وارد دانشگاه شدم. از سوی دیگر هم هیچ گونه دغدغه مالی نداشتم چرا که فرزند اول خانواده بودم و پدرم همیشه حساب بانکی ام را پر می کرد.

خلاصه در رشته حسابداری و در حالی تحصیلاتم را به پایان رساندم که با دختری به نام آفرین از تباط داشتم. با آن که نمی خواستم به دختری دل ببندم اما ناخود آگاه عاشق «آفرین» شدم و بعد از پایان خدمت سربازی از خانواده ام خواستم به خواستگاری اش بروم ولی پدر و مادرم به شدت مخالفت کردند و اعتقاد داشتند این شق های هوس آلود فرجامی نخواهد داشت.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

| | | | |
|---|--|---|---|
| <p>مفقودی</p> | <p>خدمات</p> | <p>لوازم یدکی</p> | <p>استخدام</p> |
| <p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۶۱۰۲۱/۰۱ به نام فریدین مهربان ابنوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p> | <p>خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p> | <p>تهیه لوازم یدکی خودرو شما در سریعترین زمان ۰۹۱۱۲۱۱۱۸۲۸</p> | <p>استخدام فروشنده جهت غرفه در ترمینال فرودگاه کیش تلفن تماس: ۰۹۳۳۷۶۹۵۱۹۳</p> |
| <p>اصل کارت اشتغال به کار به نام فتح الله کریمی به شماره گذرنامه P00904595 و شماره پروانه کار ۱۶۶۷۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p> | <p>خیاطی</p> | <p>جعفری</p> | <p>استخدام منشی عصر ساکن کیش یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۹ تا ۳ شب</p> |
| <p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۵۱۵۴۳/۰۱ به نام ملیکا بروجردی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p> | <p>خیاطی حبیبی بازار پانیز - طبقه اول - غرفه ۱۲۱ ۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸</p> | <p>خشکشویی</p> | <p>استخدام نیروی خدماتی یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴ تماس حاصل فرمایند.</p> |
| <p>اصل کارت ملی به شماره ۰۴۴۱۰۳۹۱۹۷ به نام رایان افشاریان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p> | <p>تعمیرات کولر</p> | <p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با بیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری</p> | <p>درب اتوماتیک</p> |
| <p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۳۶۲۹۵/۰۱ به نام رایان افشاریان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p> | <p>تعمیرات کولر - اسپیلت ۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸ جاسم کریمی فوری - مطمئن</p> | | <p>درب های اتوماتیک دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲</p> |

صنایع چوب

حلاج کیش

کلید سفارشات
چوبی MDF
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲